معیارها و شاخص‌های کاندیدای اصلح از نظر دانشوران

# قدرت نفوذ کلام در بین اقشار مختلف مردم

کرامت پسندیده‌خو*

مجلس در توسعه و آینده کشور نقش و جایگاه مهمی دارد. به این معنی که توسعه و آینده کشور به کارآمدی مجلس و نمایندگان آن بستگی دارد. نمایندگان کارآمد و اصلح می‌توانند رسالت واقعی و سیاسی خویش را به‌مثابه اهرم تعیین‌کننده توسعه به انجام رسانند. انتخاب نماینده کارآمد و اصلح از وظایف رأی‌دهندگان است که براساس شناخت، تحقیق و مشورت می‌توانند این مهم را به انجام برسانند. در انجام این مهم، رأی‌دهندگان نیاز به معیارها و شاخص‌هایی دارند که با توجه به این شاخص‌ها اصلح را انتخاب کنند.

با توجه به اهمیتی که این شاخص‌ها در انتخاب اصلح دارند سعی شده است تا براساس نظرسنجی از دانشوران و استادان جامعه‌شناسی و علوم سیاسی این شاخص‌ها را گردآوری کنیم، این کار طی دو مرحله انجام شده است. در مرحله اول نامه‌ای جهت گردآوری این شاخص‌ها توزیع شد و سپس با جمع‌بندی این معیارها و شاخص‌ها بار دیگر از دانشوران و استادان در مورد آنها مشورت و نظرسنجی شد تا اعتبار صوری این شاخص‌ها مورد سنجش قرار گیرد.

شاخص‌ها به پنج گروه تقسیم شدند که عبارتند از:

الف) دینی و اخلاقی ب) علمی و سیاسی ج) رفتاری د) تجربه، مهارت و توانایی ه) برنامه‌ها و آینده

نکته مهم: این شاخص‌ها و داده‌ها تنها جمع‌آوری شده و هیچ تحلیلی روی آن انجام نشده است.

### الف) دینی و اخلاقی

۱. مقید به ارزش‌های اسلامی ۲. مقید به نظام جمهوری اسلامی در حرف و عمل ۳. تقوا و پرهیزکاری ۴. الگوبودن به‌لحاظ اخلاقی و شخصیتی ۵. صداقت در گفتار و رفتار ۶. امانتداری، شجاعت و شهامت ۷. لیاقت و شایستگی ۸. صبر، حوصله، متانت، تواضع و فروتنی ۹. انصاف و خارج‌نشدن از دایره انصاف در امور ۱۰. صراحت در عین پایبندی به ادب و اصول انسانی و اخلاقی ۱۱. قبل از خدمت و اظهارنظر و نصیحت به مردم، درون خود را صیقل داده باشد. ۱۲. دینداری او بی‌هیاهو باشد. ۱۳. اخلاق و مدنیت او قبل از مواضع سیاسی‌اش نمود داشته باشد. ۱۴. مردمی و ساده‌زیست باشد. ۱۵. سلامتی مالی و پاک‌بودن

### ب) علمی و سیاسی

۱. تحصیلاتش را به اتمام رسانده باشد و قصد ادامه تحصیل نداشته باشد. ۲. حداقل با یک زبان خارجی آشنایی داشته باشد. ۳. در یکی از رشته‌هایی تحصیلاتش را به اتمام رسانده باشد که به‌نحوی بتواند در یکی از کمیسیون‌های مجلس مؤثر واقع شود. ۴. الفبای سیاست را بداند. ۵. تفاوت اختیارات رئیس‌جمهور، وزیر و نماینده را بداند و وعده‌هایی خارج از مسئولیت خود ندهد. ۶. با آیین‌نامه‌های داخلی مجلس آشنا باشد. ۷. بداند منافع ملی چیست؟ و تعریفی جامع و دقیق از منافع ملی داشته باشد. ۸. محورهای اصلی برنامه‌های توسعه کشور را بداند و توفیقات و عدم توفیقات برنامه‌های توسعه را بتواند بیان کند و علل و عوامل آن را بتواند تحلیل کند. ۹. با پدیده جهانی‌شدن و آثار و عواقب آن آشنا باشد. ۱۰. بتواند برای حفظ هویت ملی و دینی و همچنین افزایش اثرگذاری فرهنگی‌مان در دنیای جدید ارائه طرح و برنامه کند. ۱۱. آشنایی با اصول و معاهدات بین‌المللی داشته باشد. ۱۲. بر حقوق و قوانین اساسی، مدنی و... تسلط داشته باشد. ۱۳. بر اصول سیاست خارجی و روابط بین‌الملل احاطه داشته باشد. ۱۴. سیاست‌گذاری را بداند. ۱۵. از فهم کلی نظام بین‌المللی به فهم جزئی نظام بین‌الملل رسیده باشد. ۱۶. اهل مطالعه، تحقیق و پژوهش باشد. ۱۷. بیوگرافی سیاست‌مداران را خوانده باشد.

### ج) رفتاری

۱. اهل عمل به قول و گفته‌های خود ۲. داشتن نظم و انضباط در امور ۳. انعطاف‌پذیری در برابر نظرات و انتقادات ۴. ترجیح منافع عمومی بر منافع فردی ۵. داشتن روحیه اعتدال براساس سوابق و تجربیات کاری ۶. وامدار دیگران نبودن (مراکز قدرت و ثروت) ۷. قبل از واردشدن به سیاست (نمایندگی) زندگی کرده باشد. ۸. دنباله‌رو و پیرو دیگران نباشد، خودش اهل فکر و تصمیم باشد. ۹. برای کسب ثروت به نهاد قدرت و سیاست وارد نشده باشد. ۱۰. شیفته و فریفته قدرت نباشد، بلکه شیفته خدمت باشد. ۱۱. زندگی را با قدرت، سیاست و سمت مساوی نداند ۱۲. ملی بیندیشد نه منطقه‌ای و قومی ۱۳. اهل مشورت با نخبگان در تصمیم‌گیری‌های کلان و مهم باشد. ۱۴. برنامه‌محوربودن و استفاده از خرد جمعی در نظر و عمل. ۱۵. برای آینده کشور برنامه داشته باشد. ۱۶. به‌گونه‌ای رفتار کرده باشد که صاحبان قدرت به سراغ او بیایند نه برعکس. ۱۷. قدرت نفوذ فردی و توانایی ایجاد ارتباطات اجتماعی و سیاسی در سطح منطقه‌ای، استانی و ملی. ۱۸. قدرت نفوذ کلام در بین اقشار مختلف مردم. ۱۹. در دوران مدرسه و دانشگاه از نخبگان بوده باشد. ۲۰. در هر زمینه‌ای اظهارنظر و سخنرانی نکند. ۲۱. از نیاز به نمایش و خودنمایی عبور کرده باشد. ۲۲. از سلیقه‌های فردی به قاعده‌مندی و سیستم‌مداری در مدیریت رسیده باشد. ۲۳. اهل استفاده از آمار، ارقام و احتمالات باشد. ۲۴. توانایی تأثیرگذاری در ارتقای سطح شهرستان را داشته باشد. ۲۵. اهل شفاف‌سازی باشد. منابع تأمین ریزهزینه‌های ستاد انتخاباتی‌اش را به مردم اعلام کند. ۲۶. اهل ورزش باشد. ۲۷. به رقابت سالم معتقد باشد.

### د) تجربه، مهارت و توانایی

۱. حداقل تجربه یک دوره دوساله مدیرکلی یا معاون مدیرکلی را داشته باشد. ۲. حداقل یک تجربه در طراحی، انجام یا تکمیل یک طرح عمرانی را داشته باشد. ۳. از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و شخصیتی دارای سوابق و پیشینه پاک باشد. ۴. موفقیت و تأثیرگذاری در مسئولیت‌های حال و گذشته. ۵. داشتن تجربه کاری موفق و آشنایی با مشکلات و بوروکراسی‌های اداری. ۶. تجربه کار در بخش خصوصی را داشته باشد. ۷. توانایی در ایجاد وحدت، همدلی و وفاق در شهرستان. ۸. توانایی مقابله با مفاسد اقتصادی را داشته باشد. ۹. توانایی در ارائه طرح‌های توسعه محلی و ملی را داشته باشد. ۱۰. داشتن توانایی نظارت بر حسن اجرای قانون. ۱۱. توانایی ایجاد ارتباط با تمامی اقشار جامعه را داشته باشد و اجتماعی و اهل کار گروهی باشد. ۱۲. توانایی ارائه برنامه در جهت توسعه شهرستان را داشته باشد. ۱۳. آشنایی و تسلط کامل بر شهرستان و مسائل و مشکلات و کمبودهای آن را داشته باشد. ۱۴. از سخنان کلی به سخنان جزئی و شفاف رسیده باشد. ۱۵. توانایی تحلیل براساس واقعیت‌ها را داشته باشد. ۱۶. جهان دیده و اهل مسافرت داخلی و خارجی بوده باشد.

### ه) برنامه‌ها و آینده

۱. تعامل و هم‌گرایی با مسئولان شهرستانی، استانی و ملی برای حل مسائل حوزه انتخابیه. ۲. شایسته گزینی و عدالت‌محوری در تعیین مسئولیت‌ها و پست‌های شهرستانی و استانی. ۳. رابطه صحیح و سالم با حاکمیت با رویکرد حل مشکلات حوزه انتخابیه. ۴. رصدکردن مطالبات و خواسته‌های مردم و پیگیری آنها. ۵. تلاش درجهت وحدت، همدلی و وفاق در شهرستان. ۶. حافظ منافع‌ملی بودن. ۷. تلاش در جهت مقابله با مفاسد اقتصادی ۸. تعامل با رسانه‌های دیداری و شنیداری و نوشتاری و ظاهرشدن در آنها در حد ضرورت. ۹. شفاف‌بودن و ارائه گزارش مستمر ماهانه، سالانه و پایان دوره چهار ساله. ۱۰. نظارت جدی و انعطاف‌ناپذیر بر اجرای قانون. ۱۱. در گزارش‌های خود از آمار، ارقام و احتمالات استفاده کند. ۱۲. فعالیت در جهت افزایش قدرت کشور. ۱۳. به شهروندان عادی بیشتر احترام گذارد تا کسانی که پست و مقام دارند. ۱۴. بعد از انتخاب‌شدن مخالفان و منتقدان خود را فراموش نکند و به سراغ آنها برود. ۱۵. ظرفیت صبر و خویشتن‌داری تا سه سال برای پاسخ به مخالفان را داشته باشد. ۱۶. ارتباط با تمامی اقشار جامعه را حفظ کند. ۱۷. به دنبال تغییر و تحول باشد. ۱۸. همه را متوجه آینده و تحقق افق‌ها نماید. ۱۹. مسئولیت قدرت و جایگاه خود را بپذیرد و پاسخ‌گوی مردم باشد. ۲۰. پس از رسیدن به قدرت (نمایندگی) و پایان آن به دنبال رانت نباشد و صرفا برای تحقق کارهای بزرگ در قدرت بماند. ۲۱. در برنامه‌هایش اشتغال‌زایی جایگاه مهمی داشته باشد. ۲۲. اشتغال‌زایی را توسعه کمی بخش صنعت و کشاورزی نداند. ۲۳. باتوجه به کمبود منابع آبی کشور، کشاورزی را محور استقلال نداند. ۲۴. با گروه‌های مدنی و انجمنی و مردم‌نهاد تعامل داشته باشد. ۲۵. توجه به طبقات پایین و محروم و دورافتاده. ۲۶. در کمیسیون و کارگروهی که تخصص ندارد مسئولیت نپذیرد. ۲۷. هنگام اشتباه عذرخواهی کند.

*دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی

---

مردم و ویژگی‌های یک نماینده خوب

# سایه اقتصاد، پایبندی به وعده‌ها

**مهسا علی‌بیگی:** تهران در مهی از سرب و غبار غرق شده است. مدارس چندروزی است که تعطیلند و قوانین ترافیکی شهر سختگیرانه‌تر از گذشته دنبال می‌شود. با ماسکی فیلتردار که چندان هم به تأثیرگذاربودنش اطمینان ندارم، راه افتادم توی شهر تا از مردم کوچه و بازار بپرسم: «معیارها و شاخص‌های کاندیدای اصلح برای دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی چیست؟» یا خودمانی‌تر گفته باشیم: «اگر بخواهید کسی را به‌عنوان نماینده‌تان به مجلس بفرستید، این فرد چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟» انتظارم این است که حداقل یکی از شهروندانی که مورد پرسش قرار می‌گیرند، به آلودگی هوا اشاره کنند و بگویند به کسی رأی خواهند داد که برنامه‌ای برای حل این معضل داشته باشد یا وعده تشدید نظارت بر نهادهای مسئول در این زمینه را بدهد. اما سیاست و اقتصاد همچنان مثل دو قطب نیرومند آهنربا که براده‌های کوچک آهن را به سمت خویش می‌کشند و جهت می‌دهند، پاسخ‌های شهروندان مورد پرسش در این گزارش را به سمت خود می‌کشانند. ساعت از پنج عصر گذشته است. در ایستگاه اتوبوس ابتدای خیابان قائم‌مقام، سراغ خانمی می‌روم که او هم مثل من نیمی از صورتش زیر ماسکی سفیدرنگ فرورفته است. منتظر اتوبوسی است که از میدان صنعت در شمال‌غرب تهران به هفت‌تیر در مرکز شهر، می‌رود. او که خودش را «بهرامی» معرفی می‌کند، قرار است پس از هفت‌تیر با مترو به منزلش در نقطه‌ای دورتر از مرکز برود. بهرامی ۴۳ساله، منشی یک شرکت فروش تجهیزات دندان‌پزشکی و مادر دو فرزند است که نگرانی از آینده آنها باعث می‌شود در پاسخ‌هایش به پرسش «معیارهای انتخاب کاندیدای اصلح»، چندبار روی «بی‌کاری جوان‌ها» تأکید کند. او می‌گوید: «به کسی رأی می‌دهم که از حال مردم باخبر باشد. بداند مردم چه می‌خواهند و برای آنها برنامه داشته باشد. مخصوصا برای بی‌کاری جوان‌ها و از کاری که برای مردم انجام می‌دهد آگاه باشد». از او می‌پرسم منظورش از این «آگاهی»، علم و سواد است؟ او جواب می‌دهد: «نه، یعنی قولی ندهد یا برنامه‌ای نداشته باشد که بعدا بگوید شدنی نیست یا اشتباه از کار درآید. یک زمانی آمدند، مسکن مهر را راه انداختند، خیلی‌ها خانه‌دار شدند ولی الان دیگر هیچ‌کس حاضر نیست مسکن مهر بخرد. بچه‌های من می‌گویند مسکن مهر مصالحش خوب نیست و روی سرت خراب می‌شود و فلان و فلان». می‌گویم: «ولی مسکن مهر که طرح دولت بود نه مجلس». پاسخ می‌دهد: «همه‌شان عین هم هستند! یک قولی می‌دهند و بعد زیرش می‌زنند. الان مهم‌ترین مسئله به نظرم اشتغال است، چرا پسر لیسانس من باید بی‌کار باشد». می‌پرسم: «چه ویژگی‌های دیگری جز وعده‌های انتخاباتی یک نماینده و پایبندی او به آنها برایتان مهم است؟» می‌گوید: «نمی‌دانم». می‌گویم: «اخلاق، تحصیلات، سابقه، تجربه؟» بی‌حوصله جواب می‌دهد: «اخلاق برای من خیلی مهم نیست. تحصیلات هم هرچقدر بالاتر باشد معلوم است که بهتر است. سابقه و تجربه مهم است ولی کسی نباشد که قبلا دستش توی کار بوده باشد». می‌پرسم: «یعنی سوءسابقه نداشته باشد؟» می‌گوید: «بله، یعنی قبلا کاری برای مردم کرده باشد نه برای خودش». در پاسخ‌های خانم بهرامی نشانی از اصل ۵۸ قانون اساسی کشور که بر وظیفه قانون‌گذاری نمایندگان تأکید می‌کند، نیست یا اصل ۶۶ که یکی از مهم‌ترین وظایف نمایندگان را دفاع از قانون اساسی می‌داند.

«زهره»، ۲۴ساله، فارغ‌التحصیل علوم‌اجتماعی و پشت‌کنکوری است؛ کنکور ارشد. او و دوستش، «مریم» را در میدانی دیگر می‌بینم. او هم برنامه‌ها و وعده‌ها آن‌قدر برایش مهم نیست که ویژگی‌های سیاسی. زهره می‌گوید: «برای من اینکه نماینده اصلاح‌طلب باشد یا اصولگرا مهم است. البته در هر دو گروه خوب و بد هست. مثلا کسی مثل علی مطهری هم هست که اصولگراست ولی من حتما به او رأی می‌دهم». وقتی می‌پرسم چرا؟ جواب می‌دهد: «چون روی موضعی که دارد می‌ماند. پایبندی دارد به اعتقاداتش و شجاع است. درمجموع هرکسی که با مردم بازی نکند و روی کار و حرفی که فکر می‌کند درست است، پافشاری کند، حتی اگر به ضررش باشد، به نظر من فرد مناسبی برای رأی‌دادن است. این همان شجاعتی است که گفتم. ولی فکر نمی‌کنم این برای همه مردم ملاک باشد مخصوصا در شهرهای کوچک. در شهرهای کوچک ملاک میزان خدمت است مخصوصا در حوزه‌های عمرانی». از نظر مریم که دانشجوی فوق‌لیسانس مشاوره است، «تحصیلات» و «تخصص» نماینده فارغ از گرایش سیاسی‌اش، مهم است. او می‌گوید: «برای من هم این ویژگی‌ها مهم است ولی تحصیلات خیلی مهم‌تر است. البته تحصیلات فقط مدرک نیست. منظورم این است که فرد باسواد باشد، در حوزه‌ای که حرف می‌زند متخصص باشد و حرف‌هایی نزند که وقتی خبرش منتشر شد، آدم خجالت بکشد از اینکه این حرف‌ها را همه دنیا دارند می‌خوانند».

مسیر بعدی‌ام میدان انقلاب است. از فروشنده مغازه‌ای در ابتدای خیابان کارگر جنوبی می‌خواهم به سؤالم پاسخ دهد و او وقت می‌خواهد تا کمی فکر کند و قول می‌دهد چند خط درباره این موضوع برایم بنویسد. از من می‌خواهد بروم و نیم‌ساعت دیگر برگردم و نوشته‌اش را بگیرم. در این فاصله سراغ آقای «مرزآبادی»، ۳۸ساله و پدر یک دختر دبستانی می‌روم که مشغول تماشای پیشخوان کتاب یکی از مغازه‌های اطراف میدان است. او هم از وعده‌ها و برنامه‌های اقتصادی حرف می‌زند اما وقتی در برابر این پرسش من قرار می‌گیرد که «وظیفه اصلی نماینده، قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قانون است. در این زمینه به نظر شما نماینده چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟» می‌گوید: «ببینید، اگر نمایندگان دنبال حل مشکلات اقتصادی مردم باشند، نمی‌گذارند کسی مثل بابک زنجانی به وجود بیاید. الان کسی را در کشور داریم که بیشتر از بابک زنجانی قانون‌شکنی کرده باشد؟ نظارت بر قانون یعنی همین. او تأکید می‌کند: «همه اینها به‌خاطر این است که نماینده‌ها وقتی به قدرت می‌رسند تازه می‌خواهند بروند دنبال ثروت. باید به کسی رأی داد که ثابت کرده باشد اهل زدوبند و بخوربخور نیست».

برمی‌گردم پیش آقای «سعادت»، فروشنده‌ای که قول داده بود، درباره ویژگی‌های نماینده اصلح برایم بنویسد. او کاغذی را به دستم می‌دهد که این جملات رویش نوشته شده است: «نمایندگان خبرگان در ابتدا ولایی، پشتیبان و حامی ولایت و در کنار رهبری و در راه رهبری باشند. اگر گوش به فرمان ولایت باشند یعنی حامی انقلاب اسلامی و امام و پاسدار خون شهیدانند. کسی باشد که دلسوز ملت، باتقوا، عادل، شجاع و مقاوم درمقابل هرگونه دخالت استعمار. تحت‌تأثیر هیچ‌گونه جناحی نباشد. از کسانی که قسم‌خورده برانداختن اصل ولایت و نظام جمهوری اسلامی هستند، نباشد. کسی نباشد که خون تمام شهدا را پایمال کند تا به اهداف شوم و ضدانقلابی خود برسد. دست در میان دستان آلوده‌شده به خون جوانان انقلاب نگذارد. در آخر ان‌شاءالله خداوند پرچم این انقلاب را توسط امام خامنه‌ای به دست پربرکت صاحبمان امام‌عصر(عج) برساند».

---

گزارش

## آدم‌ها

این‌روزها که ماجرای حضور نامزدها در انتخابات مطرح است گزارش‌های متعددی از افرادی متفاوت و کمتر سیاسی که برای مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی کاندیدا شده‌اند منتشر شده است. یکی از این گزارش‌ها را مجله مهر انتشار داده است.

### حامل غیرمجاز سلاح در بین داوطلب‌های مجلس

در میان داوطلب‌های نمایندگی مجلس، شیراز با یک داوطلب عجیب‌وغریب روبه‌رو بود. گفته می‌شود در میان افراد تأییدشده، پاسورفروش و حامل غیرمجاز سلاح نیز به چشم می‌خورد.

### دختری که با مادرش برای ثبت‌نام خبرگان آمد

یکی از نامزدهای خبرگان ترجیح داد که با مادرش در وزارت کشور حاضر شود. این دختر جوان متولد ۱۳۶۷ بود که همراه مادرش برای ثبت‌نام به وزارت کشور آمده بود. او که دکترای ادبیات عرب داشت، گفت می‌خواهد برای احقاق حقوق زنان وارد انتخابات شود. این دختر جوان گلایه‌ای هم داشت و می‌گفت: «چرا برای انتخابات مجلس شورای اسلامی شرط سنی گذاشته‌اند؟» این دختر که به دلیل شرایط سنی نمی‌توانست در انتخابات مجلس ثبت‌نام کند در انتخابات خبرگان ثبت‌نام کرد.

### خلبانی برای نجات رفسنجان

خانم خلبان کرمانی هم از پدیده‌های انتخابات امسال بود که برای نجات رفسنجان قصد کاندیداتوری داشت. این داوطلب خلبان که گفت عشقش پرواز است، برای رفع محرومیت‌ها و نابرابری‌ها در رفسنجان احساس تکلیف کرده بود و گفت: به دلیل مشکلات مردم رفسنجان کاندیدا شدم.

### داوطلب غیرمعمم نمایندگی مجلس خبرگان

یکی از داوطلبان هم که به دلیل ظاهرش گمان می‌شد کاندیدای مجلس است، گفت من می‌خواهم در انتخابات خبرگان ثبت‌نام کنم. وی که ادعا می‌کرد کارشناس‌ارشد محیط‌زیست است در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌خواهید داوطلب خبرگان شوید؟ گفت: در آزمون اجتهاد شرکت می‌کنم. البته این کاندیدای غیرمعمم قبلا در انتخابات مجلس هم شرکت کرده که رد صلاحیت شده بود و حال بخت خود را در انتخاباتی دیگر می‌خواست بیازماید.

### قول به یک کاندیدای زن

یکی دیگر از عجایب داوطلب‌های نمایندگی مجلس خانمی بود که می‌گفت هدفش از شرکت در انتخابات مجلس، تغییر چهره مردانه مجلس است. او گفت که اصلاح‌طلب است چراکه اصلاح‌طلبان قول داده‌اند ۱۰ کرسی مجلس را به ما خانم‌ها بدهند. این خانم داوطلب حوزه انتخابیه لرستان بود.

### داوطلبی که به «سانتی‌مانتال» معروف شد

شاید بتوان گفت این خانم بیشتر از تمام داوطلبان مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. ظاهر این خانم از حاشیه‌های اولین روز ثبت‌نام انتخابات مجلس دهم بود. جالب اینجاست که این فرد گفته بود با همین تیپ وارد مجلس خواهم شد.

### نام‌نویسی مدعی کشف اختلاس ۳هزارمیلیاردی

از نکات جالب انتخابات مجلس امسال، حضور فردی بود که ادعا می‌کرد بازرس بوده و گروهی که در آن حضور داشته است، اختلاس سه‌هزارمیلیاردی در بانک صادرات را کشف کرده‌اند.

### چون بی‌کار بودم ثبت‌نام کردم

جوانی ۳۰ساله نیز که خود را نماینده دهه‌شصتی‌ها می‌نامید، درباره دلیل ثبت‌نام خود می‌گفت: «چون بی‌کار بودم برای انتخابات مجلس ثبت‌نام کردم. انسانی معمولی هستم و تلاش دارم خلأ دهه‌شصتی‌ها را پر کنم».

---

ادامه از صفحه ۱۰

## تلاش برای حفظ نظام دانشگاهی

شاید در چرایی این تحولات جهانی و مفهومی شگرف درباره PhD، دو دلیل قابل ذکر باشد:

الف- ایجاد تقاضا و بازار کار وسیع‌تر برای دارندگان PhD

ب- کارکرد چندگانه دوره‌های PhD

در دوره‌های دکترا دانشجویان (در معیت استادان باتجربه و امکانات) روی طرح‌هایی کار می‌کنند که غالبا از خارج از نظام دانشگاهی، برای بررسی و حل‌شدنشان به دانشگاه‌ها ارجاع شده‌اند و به علت فراهم‌بودن امکانات و تجمیع آن با توانایی و دانش مربوط، حل مسئله با هزینه‌ای بسیار کمتر از روش‌های بدیل، انجام می‌گیرد. (یکی از روش‌های بدیل مبادرت مستقیم خود مجموعه‌های طراح مسائل به حل آنهاست.) این روش، علاوه‌بر کسب دانش و مهارت برای نیروی کار مستعد و جوان (یعنی دانشجویان دکترا)، درآمدزایی و کارآفرینی نیز در پی دارد. ظاهرا این فعالیت برای هر سه وجه آن یعنی شرکت‌ها (یا دولت) به‌عنوان طراحان پروژه یا مسئله، مجموعه دانشگاه به‌عنوان مراجع علمی و دانشجویان و جوانان (به‌عنوان نیروی کار مستعد)، سودمند و مطلوب است. لازم به تأکید است که درباره رشته‌های علوم پایه و در جایی که هدفِ پژوهش، پیشبرد مرزهای دانش است، معمولا طرح مسئله پژوهشی، از داخل خود دنیای آکادمیک (و نه از خارج آن) انجام می‌شود.

### دوره‌های تحصیلات تکمیلی ارشد و دکترا در ایران

نظام دانشگاهی ایران، در قیاس با مجموعه‌های مشابه (به‌ویژه اروپا) نظامی نوپاست و حداکثر قدمتی به اندازه ۸۰ سال (هم‌سن دانشگاه تهران) دارد. دوره‌های فراگیر تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکترا) عمری بسیار کمتر و نزدیک به ۳۰ سال دارند. (البته در برخی رشته‌ها و برخی دانشگاه‌ها دوره ارشد، قدمت بیشتری دارد.) در این ۳۰ سال، در سطح جهانی نیز (چنان‌که شرح آن رفت)، خود دوره‌های تحصیلات تکمیلی و به‌ویژه دکترا دستخوش تحولات شگرف مفهومی شد و ما نیز که پیشینه‌ای در این حوزه نداشتیم، خواسته و ناخواسته (البته با توجه به اقتضائات زمانی و اجتماعی نظام دانشگاهی خود)، با این تحولات همراه شدیم. اما در ایران هیچ‌کدام از دو دلیل برشمرده‌شده در بخش قبلی برای تحول در مفهوم مدرک PhD (به جز در مواردی استثنائی) موضوعیت چندانی نداشتند: بازار کار تخصصی ما عموما نیازی به جذب افراد متخصص در سطح PhD ندارد و دانشگاه‌های ما نیز در جایگاه مرجعیت علمی در سطح اجتماعی و سیاست‌گذاری‌ها، محل اعتنای ویژه‌ای نیست و پروژه‌های تخصصی از خارج از مجموعه دانشگاه‌ها، به آنها ارجاع نمی‌شود. ظاهرا تنها دلیل فراگیری دوره‌های ارشد یا دکترا در ایران، تا حدود ۱۵-۱۰ سال قبل تأمین مدرس دانشگاه‌ها۱ و از حدود ۱۵-۱۰ سال اخیر ایجاد اشتغال (به بیان دقیق‌تر مشغول نگه‌داشتن) خیل روزافزون فارغ‌التحصیلان بی‌کار دوره‌های کارشناسی یا ارشد و به‌تعویق‌انداختن ورود این نیروی کار به سطح بازار کار جامعه بوده است. نکته و ویژگی دیگر دوره‌های دکترا در ایران، تأکید زیاد بر ارائه دستاوردهای متعدد و متنوع در کمیت بالاست (که در ایران صرفا به صورت چاپ تعداد زیادی مقاله نمود پیدا کرده) و همین موضوع باعث واردآمدن لطمات جدی به بحث آموزش‌های تخصصی و به‌روزبودن و به‌روزماندن دانشجویان و استادان، در حوزه تخصصی خود شده است.

### پژوهشگاه‌ها و دوره‌های دکترا

همان‌طورکه ذکر شد، دانشگاه‌ها در جامعه، با جایگاه مرجعیت علمی شناخته می‌شوند و حفظ این جایگاه علاوه بر گسترش علوم در جامعه ازطریق آموزش در مقاطع دانشگاهی، مستلزم حضور مؤثر در حوزه پژوهش است. پژوهش‌ها، عموما در دو معنا انجام می‌گیرند: استفاده از دانش موجود برای حل مسائل مختلف (به‌ویژه مسائل مبتلابه جامعه و کشور) و دیگر گسترش مرزهای دانش و «تولید علم». پژوهش در دوره‌های دکترا در هر دو معنای آن، جایگاه ویژه‌ای دارد. کشورهای مختلف (و همچنین ایران)، برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی که به تمرکز یا امکانات ویژه‌ای نیاز دارند و عموما دانشگاه‌ها علاقه یا توانایی ورود به آنها را ندارند، مجموعه‌های پژوهشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی تأسیس می‌کنند. این مجموعه‌ها، درواقع بخشی از نظام آکادمیک کشور و مکمل دانشگاه‌ها در مأموریت‌های ویژه علمی-پژوهشی هستند. با توجه به بحث بالا طبیعی است پژوهشگاه‌ها بنابه مأموریت ذاتی خود، باید در دوره‌های دکترا حضور و نمودی فعال داشته باشند.

### جمع‌بندی

بحث کردیم که دانشگاه‌ها در جایگاه «مرجعیت علمی» در جامعه قرار دارند و برای حفظ این مرجعیت و با توجه به تحولات سریع در عرصه علوم و پژوهش، عموما در حوزه‌های مشخص نیازمند مجموعه‌های پژوهشی مکمل (مانند مراکز تحقیقاتی و پژوهشگاه‌ها) هستند. همچنین گفتیم که دوره‌های دکترا، بخش مهمی از نظام پژوهشی دنیا به‌حساب می‌آیند و تأکید کردیم که باوجود آنکه هدف دوره‌های دکترا، پژوهش جدی (و نه صرفا تمرین و مشق پژوهش و آموختن روش پژوهش) است، آموزش تخصصی، پیش‌نیاز جدی و غیرقابل اغماض برای پژوهش جدی است. با توجه به رشد کمّی بسیار زیاد دوره‌های دکترا در دهه اخیر در ایران (که عموما حتی با اعمال دقیق و جدی موازین و ضوابط وزارتی نیز سازگار نیستند)، کیفیت خروجی‌های دکترا با معیار «آشنایی کامل با پژوهش جدی و آخرین دستاوردهای علمی در حوزه‌های تخصصی»، اصلا مطلوب نیست. به‌جاست که با توجه به تبعات خطیر این کیفیت نامطلوب برای آینده مرجعیت علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، با برنامه‌ریزی دقیق برای این دوره‌ها (و کمک‌گرفتن از تمام توان مجموعه آکادمیک- اعم از دانشگاه و پژوهشگاه) برای این مهم، چاره‌جویی جدی به‌عمل آید.

**پی‌نوشت:**

۱- خوشبختانه به دلایل فرهنگی، تقاضای زیادی برای تحصیل به‌ویژه در دانشگاه‌ها وجود دارد و با توجه به این تقاضای زیاد، سیاست وزارت علوم به گسترش مراکز آموزش عالی و ظرفیت‌های پذیرش آنها در قالب‌های دانشگاه‌های دولتی پیام‌نور، آزاد و غیرانتفاعی و به تبع آن نیاز به مدرسین دانشگاه، بوده است.